

Perception of City Entrances in Term of User's Sexual Variety [Case Study: Sanandaj City's Entrance- From Hamedan City]

Morteza Mirgholami¹, Kasra Ketabollahi², Mahvash Azadi³, Azita Balali Oskoyi⁴

¹ Associate Professor, Urban Design, Architecture & Urban Design Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

² PhD Researcher in Islamic Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, East Azerbaijan, Iran (Corresponding Author)

³ M.A. in Urban Design, Urban Design & Architecture Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

⁴ Associated Professor of Urban Design, Architecture & Urban Design Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

(Received: 16.07.2021, Revised: 14.09.2021, Accepted: 14.10.2021)

[https://doi.org/ 10.22075/AAJ.2021.5686](https://doi.org/10.22075/AAJ.2021.5686)

Abstract:

In Iran, the entrance of cities does not have a suitable position. Large-scale, unspecified entry limits, uneven growth, and lack of codified programs in organizing their development are among the reasons that have shaped the current situation. How the experience of space and user perception is one of the most important effective ways in determining the correct entry limit and qualities of the entry points of cities. In this study, using questionnaires, interviews, and field observations in the form of a combined model of Lynch, Nassar, and Applierd, objectives such as determining the boundaries and reviewing the eastern entrance of Sanandaj from the Hamedan axis are followed according to users' environmental perception and analysis of gender differences from the extracted maps of the above triple models. The uncertainty of the entrance boundaries of cities as one of the main obstacles of design, the multiplicity of views and diversity of opinions about the entrances of cities, made it necessary to conduct this research. The nature of the data is qualitative and documentary and library studies form the basis of interpreting the survey and field concepts used in this research. This article seeks to answer the question that despite the existence of gender differences among all members of society, which originate from cultural, social, education, age, etc., a specific framework for gender differences in the perception of entry points can be considered? Findings of the study, while confirming the existence of perceptual differences based on gender, according to what was obtained in the process of collecting cognitive maps and interviews with statistical samples, in the form of seven criteria "orientation, position recognition, range visualization, scale, proportions, qualities, Details »A common framework between women and men maps was developed and discussed.

Keywords: Perceptual components, Cognitive map, Gender differences, Entrance limit, Sanandaj city.

¹ Email: mirgholami@iau.ac.ir

² Email: ketabollahi.kasra@gmail.com

³ Email: mahvash.azadi@yahoo.com

⁴ Email: a.oskoyi@iau.ac.ir

How to cite: Mirgholami, M., ketabollahi, K., Azadi, M., Balali Oskoyi, A. (2021). 'Perception of the entrance of cities from the perspective of gender differences hidden in the gender of users (Case study: Entrance limit of Sanandaj city - Hamadan axis)', Journal of Applied Arts, doi: 10.22075/aaj.2021.5686

ادراک مبادی ورودی شهرها از منظر تفاوت‌های جنسیتی

کاربران (نمونه موردی: حد ورودی شهر سنندج - محور همدان)

مرتضی میرغلامی^۱، کسری کتاب‌اللهی^۲، مهوش آزادی^۳، آریتا بلالی اسکویی^۴

^۱ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران
^۲ دانشجوی دکترا، گروه شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
^۳ دانشجوی کارشناس ارشد، گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران
^۴ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲
مقاله علمی-پژوهشی
<https://doi.org/10.22075/AJ.2021.5686>

چکیده

در کشور ایران، مبادی ورودی شهرها از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند. مقیاس گسترده، مشخص نبودن حد ورودی ها، رشد ناموزون و فقدان وجود برنامه های مدون در ساماندهی توسعه آنها، از جمله دلایلی است که وضعیت کنونی را رقم زده است. نحوه تجربه فضا و ادراک کاربران، یکی از مهمترین راه های مؤثر در تعیین حد ورودی درست و کیفیات مبادی ورودی شهرها می باشد. در این پژوهش با بهره گیری از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهدات میدانی در قالب مدل تلفیقی لینچ، ناسار و اپلیارد، اهدافی از قبیل تعیین حدود و بازخوانی مبادی ورودی شرقی شهر سنندج از محور همدان، براساس ادراک محیطی کاربران و واکاوی تفاوت های جنسیتی از نقشه های مستخرج مدل های سه-گانه فوق دنبال می گردد. نامشخص بودن محدوده مبادی ورودی شهرها به عنوان یکی از موانع اصلی طراحی، کثرت دیدگاه ها و نظرات متفاوت از ورودی شهرها، انجام این پژوهش را ضروری می نمود. ماهیت داده ها، از نوع کیفی بوده و مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، اساس تفسیر مفاهیم پیمایشی و میدانی بکاررفته در این پژوهش را تشکیل می‌دهند. این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش است که علیرغم وجود تفاوت های جنسیتی مابین تمامی افراد جامعه که نشأت گرفته از تفاوت های فرهنگی، اجتماعی، تحصیلات، سن و ... می باشد، آیا می توان چارچوب مشخصی را برای تفاوت های جنسیتی در ادراک مبادی ورودی برشمرد؟ یافته های پژوهش، ضمن تأیید صحت وجود تفاوت های ادراکی بر اساس جنسیت، مطابق آنچه در فرآیند برداشت نقشه‌های شناختی و مصاحبه‌های انجام‌شده با نمونه های آماری بدست آمد، در قالب هفت معیار «جهت‌یابی، تشخیص موقعیت، تجسم محدوده، مقیاس، تناسب، کیفیات، جزئیات» چهارچوبی مشترک مابین نقشه های زنان و مردان بدست آمده و مورد بحث قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه های ادراکی، نقشه شناختی، تفاوت های جنسیتی، حد مبادی ورودی، شهر سنندج

¹ Email: mirgholami@iau.ac.ir

² Email: ketabollahi.kasra@gmail.com

³ Email: mahvash.azadi@yahoo.com

⁴ Email: a.oskoyi@iau.ac.ir

مقدمه

دانش محیطی در ذهن انسان به شکل تصاویر، کلمات و گزاره‌های خلاصه‌شده بازنمایی می‌شود. نقشه‌های شناختی، یکی از ابزارهای راهنمای طراحان برای دستیابی به تصویری سازنده در فرایند تصمیم‌گیری جهت خلق یک مکان است. این نقشه‌ها علاوه بر اینکه بیان‌کننده تصاویر ذهنی فردی یا جمعی هستند، انتظارات کاربران را نیز از فضا نمایش می‌دهند.

اصطلاح نقشه‌شناختی را نخستین بار تالمن در سال ۱۹۴۸ به کار گرفت (Young, 1999: 818). این اصطلاح درباره توانایی انسان‌ها برای جمع‌آوری، سازمان‌دهی، انبار و ذخیره، بازگویی، اصلاح و تغییر اطلاعات محیط به کار می‌رود و انسان در آن، از طیف متنوعی از مهارت‌های جهت‌یابی استفاده می‌کند (Aiden et al, 2012: 359-372).

«نقشه‌های شناختی» نوعی بازنمایی درونی محیط فیزیکی تلقی می‌شوند که به‌طور مشخص به ارتباطات فضایی اختصاص دارند.

شاخص‌ترین کار علمی در میان تحقیقات مربوط به نقشه‌های شناختی یا ذهنی، کتاب تأثیرگذار کوین لینچ با عنوان سیمای شهر (۱۹۶۰) است (Topcu & Topcu, 2012: 573-582). براساس این کتاب، چارچوب کلی سیمای شهر، عناصر کالبدی نقشه ذهنی را تشکیل می‌دهد. لینچ ایجاد تصویر ذهنی را حاصل جریان دوسویه میان مشاهده‌کننده و محیط می‌داند و تصاویر مشترک ذهنی میان گروه‌کثیری از کاربران را «تصویر ذهنی عمومی» نام‌گذاری می‌کند (Lynch, 1960: 7).

علی‌رغم تفاوت در شکل نقشه‌های شناختی که از عوامل متعددی همچون سن، جنس، جنسیت، عوامل

فرهنگی، تحصیلی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... ناشی می‌شود، شباهت‌هایی در تمامی این نقشه‌ها مشترک است که آن را از غیر نقشه‌شناختی متمایز می‌سازد. یکی از این موارد تفاوت، جنسیت است. بدیهی است زنان و مردان به‌دلیل تفاوت‌های فیزیولوژیکی، زیست‌شناختی، نقش‌های اجتماعی و... دارای تفاوت‌هایی عمده با جنس مخالف خود هستند و در عین حال هرکدام برخی ویژگی‌ها، صفات، رفتارها و ذهنیات مخصوص به خود دارند که بیان‌کننده شرایط آن گروه خاص (زنان یا مردان) است.

نقشه ذهنی علاوه بر عناصر کالبدی، از عوامل دیگری همچون روحیه، نگرش‌ها و وضعیت اقتصادی-اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد. در همین زمینه بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که تصور زنان از فضا با تصور مردان، متفاوت است (لنگ، ۱۳۹۱: ۱۶۱). بنابراین با فرض وجود تفاوت در تصویر ذهنی مردان و زنان، هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در محتوای نقشه‌های شناختی است و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی در نقشه‌های شناختی مردان و زنان (متأثر از تفاوت‌های جنسیتی) نسبت به ورودی شرقی شهر سنندج از محور همدان وجود دارد؟

بنابراین ابتدا با بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع، به تدوین یک چارچوب نظری که مؤلفه‌های بااهمیت در این زمینه را جمع‌بندی می‌کند، پرداخته شده، سپس با ارزیابی مؤلفه‌های مذکور در یکی از ورودی‌های شهر سنندج، به استخراج تفاوت‌های موجود در نقشه‌های شناختی زنان و مردان در این زمینه پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی-تطبیقی است که در آن، نقوش حیوانی مجموعه آثار فلزی معرفی شده توسط آرتراپم پوپ و فیلیس اکرم (۱۳۸۷) در جلد هفتم کتاب *سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز* است که به هنر ساسانی اختصاص داده شده با متون کتاب اوستا که در شرح این حیوانات بیان شده، مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور برای گزینش جامعه آماری، به صورت هدفمند و از میان ۶۴ اثر فلزی با نقوش حیوانات سعی شد ۲۱ اثر که دارای مضمونی با نقوش حیواناتی از قبیل اسب، گاو، گراز، قوچ، بز و شتر انتخاب شوند که واجد شاخص‌هایی مرتبط با متون دینی ساسانی بودند. داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد نام نقوش حیوانات موجود بر روی آثار فلزی ساسانی، در متون مذهبی اوستا نیز ذکر شده است. هرکدام از حیوانات ذکر شده در متون اوستا دارای مفهوم و نمادهایی از اعتقادات و باورهای زرتشتیان است و این‌طور به نظر می‌رسد که وجود نقوش این حیوانات بر روی آثار فلزی، علاوه بر جنبه تزیینی بودن، به جایگاه و ارزش نمادین آن‌ها براساس باورهای دینی نیز اشاره دارد.

مبانی نظری

ورودی شهر

ورودی شهر به‌عنوان مفصل ارتباط داخل با خارج آن، باید تبلور تمام‌نما و همه‌جانبه آن شهر باشد. ورودی شهر باید محدود به مکان مشخص و تعریف‌شده‌ای باشد، به‌گونه‌ای که خروج از محدوده ورودی شهر، به معنای ورود یا خروج از شهر بیان گردد (بحرینی و علی طالب بابل، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸)

حوزه‌های ورود و خروج براساس برداشت و تصویر ذهنی مخاطبان و بهره‌وران، از موقعیت‌های مکانی متفاوتی برخوردار هستند. از آنجا که پیدایش حس کامل ورود به یک شهر، محصول طی مراحل ورود فیزیکی و بصری است، نمی‌توان ابتدا و انتهای قطعی و معینی برای مبادی ورودی تصور کرد (سازمان نظام مهندسی ساختمان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۰: ۴۴).

ورودی شهرها به‌عنوان اولین نقاطی از شهر که مسافران با آن مواجه می‌شوند، بخش عمده تصویر اولیه از شهر را در ذهن آنان شکل می‌دهد. کیفیت و حال‌وهوای این محدوده‌ها در شکل‌دهی ذهنیت مخاطبان در رابطه با شهری که پیش رو خواهند داشت، بسیار مؤثر است. در حال حاضر به هم خوردن تسلسل مراتب در نظام کالبدی شهرها سبب شده ورودی شهرها که یکی از حلقه‌های این اتصال است، عملکرد مناسبی نداشته باشد، نقش خود را به‌خوبی ایفا نکند و حامل پیام، معنای تصویری از شهر نباشد (قوام‌پور، ۱۳۸۹: ۶). مبادی ورودی شهرها در حال حاضر محدوده‌های آباد و سرزنده‌ای نیستند و جهت‌گیری و انتخاب مسیر در آن‌ها بسیار دشوار است (قریب، ۱۳۸۲: ۲۹).

مهم‌ترین کارکرد مبادی ورودی شهر، آفرینش احساس ورود به شهر در مخاطب متحرک است. این احساس نتیجه تعامل سه مفهوم «ورود روانی»، «ورود بصری» و «ورود فیزیکی» است. ورود روانی به این شکل است که در بخش‌های اولیه مبادی ورودی، مخاطب به‌صورت ملموس تغییر کیفیت پیرامون مسیر حرکتی را درک کند. این موضوع از طریق ظهور علائم طبیعی و مصنوعی، نشانه‌های راهنما و نیز مستحدثاتی است که متعارفاً در پیرامون شهرها واقع می‌باشد و مخاطب

نقشه شناختی

یکی از روش‌های اطلاع از میزان آگاهی نسبت محیط، براساس دو عامل تصویر ذهنی و نقشه شناختی انجام می‌پذیرد. نقشه شناختی، تصاویر ذهنی تبدیل‌شده به نقشه‌های ترسیمی‌اند (Topcu & Topcu, 2012: 576). هر نقشه شناختی شامل برخی تصاویر ذهنی است. این نقشه‌ها بیانگر استخوان‌بندی کلی مکان‌اند و بیش از آنکه بیانگر ویژگی‌های عناصر مجموعه باشند، نشان‌دهنده رابطه میان آن‌ها هستند. این نقشه‌ها شکل خلاصه‌شده‌ای از اطلاعات تصویری هستند و به‌علت مزیت گرافیکی‌شان، بیشترین اطلاعات را در کمترین زمان به دست می‌دهند (Kitchin, 2015: 79). همچنین بی‌نیاز و حنایی (۱۳۹۷: ۲۱۸) در یک جمع‌بندی از دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف، مفهوم نقشه شناختی را در قالب جدول زیر ارائه کرده‌اند.

را از لحاظ روانی آماده ورود به شهر می‌کند. ورود بصری، با ظهور اولین نشانه بصری از شهر آغاز می‌شود. گاه این نشانه بصری، دورنمایی از کل شهر است، به‌ویژه در رابطه با شهرهایی که نسبت به ورودی در ارتفاع یا گودی قرار دارند. در برخی از موارد نیز این نشانه بصری ناشی از تغییر متداوم نسبت به عرصه‌های ساخته‌شده پیرامونی به عرصه‌های باز و ظهور ساخت‌وسازهای حاشیه‌ای است. ورود فیزیکی، به تدریج و در تداوم حرکت، به حس نزدیک شدن و حضور در شهر تبدیل می‌شود. این حوزه‌های مفهومی از لحاظ موقعیت مکانی سیال و منعطف بوده، تابع مرزهای دقیق قطعی نیستند (سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان شمالی، ۱۳۹۲، ۴۰-۴۸). در شناسایی حد ورودی شهرها و تعیین انواع حوزه‌های ورودی بصری، فیزیکی و روانی، باید از ادراکات کاربران و خوانش آنان از مقیاس گسترده ورودی استفاده کرد تا به بهترین بازخوانی از آن دست یافت.

جدول ۱- جمع‌بندی مفاهیم نقشه ذهنی و شناختی، منبع: (نگارندگان با اقتباس از اسدپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

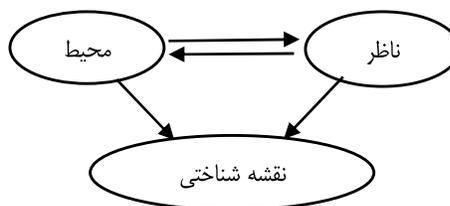
اصطلاح	صاحب‌نظر	تعریف
۱ تصویر ذهنی	لینچ (۱۹۶۰)	تصویر ذهنی، نماینده‌ای از آگاهی ذهنی در ادراک مکان است.
۲ نقشه ذهنی	لینچ (۱۹۶۰)	به معنای ایجاد یک نقشه در ذهن است و مجموعه‌ای از نشانه‌های تندنوشته و در دسترس است که آن‌ها را به خدمت گرفته، بازشناسی می‌کند، نسبت به آن‌ها توافق ضمنی وجود دارد و نوعی بازنمایی درونی محیط و واقعیت ساده‌شده است.
۳ نقشه ادراکی	سیدجانی (۲۰۰۷)	تجمعی از ادراک ساختار محیط و ویژگی‌های مفاهیم ذهنی محیط است.
۴ نقشه شناختی	تالمن (۱۹۴۸)	نوعی فرآوری ذهنی متشکل از برخی دگرگونی‌های روانی است که در ذهن اشخاص، از طریق دریافت کردن، قاعده‌مند ساختن، ذخیره کردن و بازنمایی اطلاعات مربوط به مکان‌های مرتبط و ویژگی‌های پدیده‌ها در محیط شکل می‌گیرد و اغلب به‌جای نقشه ذهنی به کار می‌رود.

جدول ۲- جمع‌بندی دیدگاه اندیشمندان از نقشه‌های شناختی (نگارندگان با اقتباس بی‌نیاز و حنایی)

اندیشمند	سال	تعاریف
داونز-اسنی	۱۹۷۳	بازنمایی شناختی شامل مراحل اکتساب، رمزگذاری، ذخیره‌سازی، فراخوانی و رمزگشایی است.
نیسر	۱۹۷۶	طرح‌واره‌ای جهت‌یافته، ساختاری فعال و شناختی است و درون فرد ادراک‌کننده بوده، کیفیت آن را تجربه تعیین می‌کند.
کویبیرز-لویت	۱۹۹۰	در آگاهی از ساختار فضا، یکپارچگی مشاهدات و ساختار فضایی ادراک کاربرد دارد.
کیچین	۱۹۹۴	فرایند رمزگذاری، جمع‌آوری و اصلاح اطلاعات محسوس و تجربه‌شده است و هنگام شکل‌گیری آن، فرد فرم محیط را به راحتی ادراک می‌کند.
کیم	۱۹۹۹	ابزار ساختار بخشیدن، تفسیر و مدیریت مجموعه پیچیده‌ای از اطلاعات است و بازنمایی محیط با ترسیم کروکی انجام می‌گیرد.
لانگ	۲۰۰۷	از طریق حرکت افراد در فضا شکل می‌گیرد و متکی به عوامل محیطی و فردی است.

اگر تصاویر ذهنی بسیار پر جزئیات، منحصر به فرد، وابسته به مکان، زمان و بیانگر تفاوت‌های فردی است، نقشه شناختی صورت خلاصه شده، تعمیم یافته و نسبتاً مشابه در انسان‌های مختلف دارد. ترسیمات تصویر ذهنی استفاده‌کنندگان از فضای شهری همچون ابزار بیانی، بارز است. این ترسیمات همچون گفتار، قابلیت انتقال بار عاطفی موقعیت‌ها را دارد (Lynch, 1984: 250).

نقشه شناختی در ارتباط و تطابق کامل با موقعیت‌شناسی کاربران در شهر است و یکی از جنبه‌های اساسی برای به خاطر آوردن محیط، جهت‌یابی و یافتن مسیر برای رسیدن به مقصد می‌باشد (Rutgers, 2010: 10).



تصویر ۱- تعامل بین ناظر و محیط در فرایند تولید نقشه شناختی، منبع: (Saleheen, 2001: 57)

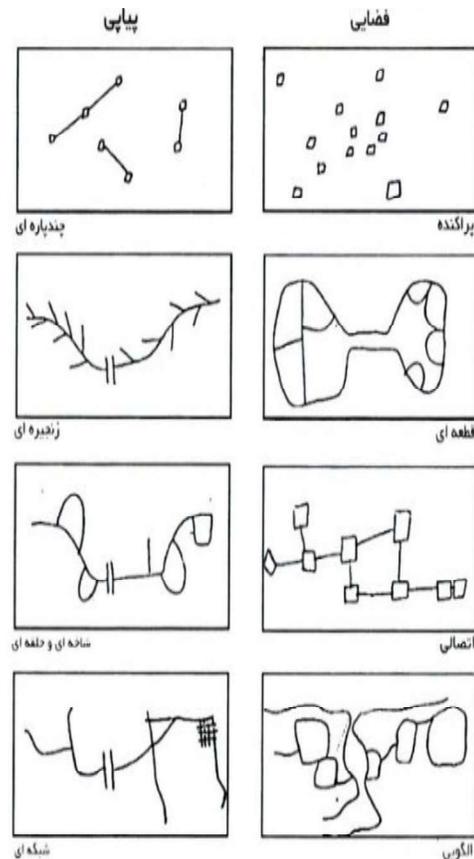
اطلاعات ثبت شده در نقشه‌های شناختی شامل دو موضوع قرارگیری عناصر محیط نسبت به هم و موقعیت کاربر نسبت به آن‌هاست. نقشه‌های شناختی عمدتاً از سه عنصر نقاط، خطوط و حوزه‌ها تشکیل شده‌اند (Mondschein and et al, 2005: 2). لینچ (۱۳۵۵) عناصر شناختی را «راه، لبه، گره، نشانه و حوزه» و شولتز (۱۳۸۴) این عناصر را تحت عنوان «مکان (نقطه)، راه و قلمرو» تعریف می‌کند. بنابراین می‌توان گفت تمام این تعاریف، قرائت‌های متفاوت و مبسوطی از این سه عنصر هستند (اپلپارد، ۱۹۶۷: ۶۷). انواع نقشه‌های شناختی را براساس شیوه ترسیم آن‌ها در قالب فضایی و پیاپی معرفی می‌کند و مطابق تصویر ۲، چهار نوع را برای هر کدام بیان می‌نماید. او معتقد است تمامی نقشه‌های شناختی کاربران از یک فضا، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری و نسبی، می‌توانند در دسته‌بندی‌های زیر جای بگیرند. در نقشه‌های پیاپی، کلیت، ارتباط و پیوستگی فضا ادراک می‌شود و عناصر

روان‌شناسی و تأثیر جنسیت بر ادراک محیطی

ادراک فضا، از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد شناخت و سنجش آن است. طی چند دهه اخیر، مطالعات بسیاری دربارهٔ وجوه مختلف و روان‌شناسی ادراک در عرصه پژوهشی انجام شده و در مرکز این مطالعات، منظر رشدیافته‌ای دربارهٔ تفاوت‌های ادراک شکل گرفته است. تفاوت‌های ادراک انسان‌ها معلول تفاوت‌های نگرشی، سنی، فرهنگی، شغلی، جنسیتی و... است. آنچه را در بحث ادراک باید مورد توجه قرار داد، این است که به رغم تشابه دستگاه احساس و ادراک در همهٔ انسان‌ها، هریک ادراک متفاوتی از پیرامون خود دارند. از این رو، ادراک متفاوت از محرک‌های مشابه می‌تواند نتیجهٔ ترکیب عوامل متعددی باشد و یک عامل تأثیرگذار به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کنندهٔ آنچه ادراک می‌شود، باشد (Gifford, 1997: 24).

کاظمی و بهزادفر (۲۰۱۳: ۷۸) در جمع‌بندی دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف، عوامل مؤثر بر ادراک محیط را در قالب جدول زیر ارائه کردند. از دیدگاه ادوارد هال، جان لنگ، کرمونا و سانتوس، شاخص‌های فردی و جنسیتی از عوامل تأثیرگذار بر ادراک محیط هستند. امروزه بررسی نحوهٔ ادراک و احساس افراد از فضای شهری و همچنین رابطهٔ جنسیت به‌عنوان عامل مؤثر در نحوهٔ ادراک، به یکی از بحث‌های قابل توجه تبدیل شده است. از این رو، در پژوهش حاضر از آنجا که فضاهای عمومی برای استفادهٔ هر دو گروه جنسی است، یک فضای عمومی در نظر گرفته شده است؛ اما گاهی به دلایلی مانند عدم انطباق وضع موجود این فضاها با نیازهای کاربران فضا (زنان یا مردان)، حضور بخشی از کاربران در این فضاها کم‌رنگ شده، یا از حضور در این فضاها اجتناب می‌کنند.

منفرد هر کدام به‌تنهایی صرفاً بخشی از ماهیت نقشه به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، در نقشه‌های پیاپی، وجود راه‌ها، چگونگی ارتباط میان عناصر، سلسله‌مراتب عناصر، حوزه‌های مهم و لبه‌های شاخص، از اهمیت فراوان‌تری نسبت به سایر موارد برخوردارند؛ اما در نقشه‌های فضایی، مهم‌ترین عامل، نشانه‌ها، نمادها، مهم‌ترین نقاط لبه‌ها و راه‌ها هستند که دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایر موارد هستند.



تصویر ۲- گونه‌های معرفی شده از خوانش

نقشه‌های شناختی اپلیارد، منبع: (اپلیارد، ۱۹۷۶، به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۹: ۱۷۱)

طبق نظر اولیور، سه گونه خطای «نواقص، اضافات و اِوجاج» در نقشه‌های شناخت مشاهده می‌شود که ناشی از فراموشی و نادیده‌انگاری، تجارب مشابه پیشین و... است (Oliver, 2007: 10).

جدول ۳- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراک محیطی و بروز تنوع ادراکی، منبع: (Kazemi & Behzadfar, 2013: 78) به نقل از قرائی و عینعلی، (۱۳۹۸)

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراک محیطی و بروز تنوع ادراکی	اندیشمند
تجربه‌های پیشین / طبقه اجتماعی / پیشینه فرهنگی	آموس راپاپورت
تغییر توانایی‌های فردی در اثر یادگیری / جنسیت / فرهنگ	ادوارد هال
عوامل اجتماعی روانی / تفاوت‌های فرهنگی	یورگ گروتز
تجربیات پیشین / نیازها و انگیزش‌ها / محیط فرهنگی / شخصیت فردی انسان	جان لنگ
تحولات اجتماعی و فرهنگی / تجربیات شخصی / نظام ارزش‌ها / تفاوت‌های شخصیتی افراد	کرمونا و همکاران
شاخص‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی / فاصله و مجاورت / سابقه سکونت	برادی و همکاران
عوامل فیزیکی و کالبدی محیط / علایق، احساسات، خاطرات و انتظارات / شاخص‌های فردی / ویژگی‌های مسکن	سانتوس و همکاران
عوامل فیزیکی و کالبدی محیط / علایق، احساسات، خاطرات و انتظارات / زمینه اجتماعی / زمان	وبشر
جهان‌بینی / فرهنگ / تاریخ / آگاهی‌ها و انتظارات جامعه / قوای مختلف انسان	نقی‌زاده

تفاوت‌های جنسیتی و نقش آن در نقشه‌های شناختی و ادراک فضا

جنسیت به‌عنوان مقوله‌ای اجتماعی و متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه، با مفهوم جنس که عموماً برای بیان همان مقوله از دیدگاه زیست‌شناختی به کار می‌رود، متفاوت است. به نظر می‌رسد جنسیت مانند جنس، با بینش‌ها و نگرش‌های افراد و ادراک آن‌ها از پدیده‌ها رابطه داشته باشد. در نتیجه چنین تفاوت‌هایی ممکن است افراد مختلف در رویارویی با فضا، ادراک متفاوتی نسبت به یکدیگر داشته باشند (Ghamari et al, 2018:78).

تفاوت میان نقش‌های جنسیتی از هنگام تولد، آغاز و در سن بلوغ و بازه سنی ۱۵- ۱۸ سال به بیشترین میزان خود می‌رسد که دو جنس دختر و پسر را کاملاً از یکدیگر متمایز می‌سازد (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱:

۳۱۳). دیدگاه‌های جدیدی که امروزه در طراحی شهری با عنوان طراحی شهری حساس به جنسیت یا طراحی شهری همه‌شمول مطرح می‌شود، از یک سو بر ایجاد شرایط مناسب برای زن و مرد، بر نیازهای خاص زنان در جامعه و علایق ایشان و از سوی دیگر به جنبه‌های نگرشی در جامعه توجه می‌کند. هدف این دیدگاه‌ها خلق یا احیای فضاهایی با قابلیت پذیرش توأمان زنان و مردان است؛ فضایی که انعطاف‌پذیری و امکانات لازم برای حضور، فعالیت و تردد مردان و زنان را فراهم کرده، نقش‌های جدید زنان و مردان امروز را در نظر بگیرد.

از دیدگاه خانی، به‌دلیل وجود تفاوت بین زن و مرد از نظر جنسی و جنسیتی، آن‌ها نیازهای متفاوتی دارند. جنسیت بیانگر نوعی رابطه است که بر مبنای این

در پژوهش انجام شده توسط للحج و موسوی، مؤلفه‌های مؤثر در ادراک فضا که منشأ جنسیت دارند، در قالب عواملی چون «تجسم ذهنی، ادراک عناصر بصری فضا، تجسم و ادراک شنیداری و ادراک فضای اجتماعی» انجام گرفته و تفاوت‌های جنسیتی بیان شده است (للحج و موسوی، ۱۳۹۷: ۸۹).

واقعیت، زنان و مردان تجارب متفاوتی در مسیر زندگی دارند (خانی، ۱۳۸۵: ۲). این کار نیازمند تحلیل جنسیتی است که شامل ابزار و مؤلفه‌هایی برای تشخیص پایگاه، نقش، دیدگاه، نگرش و مسئولیت‌های مردان و زنان است که در جامعه شکل می‌گیرد و چگونگی دسترسی آنان را به منابع، فرصت‌های زندگی مدنی و اظهار نظر و مداخله در فضای مورد استفاده‌شان مشخص می‌کند.

جدول ۴- تأثیر جنسیت در ادراک محیط، منبع: (نگارندگان)

تجسم ذهنی، ادراک سه‌بعدی فضا	زن	ادراک دوبعدی، زیبایی‌شناسانه، توانایی‌های کلامی، مهارت‌های یدی، عکس‌العمل سریع
	مرد	ادراک سه‌بعدی، استعداد مکانیکی، استدلال‌های ریاضی و منطقی
ادراک عناصر بصری فضا	زن	ادراک جزئی، سرعت ادراک بصری بالا، آمار کوررنگی پایین، دامنه دید وسیع، ادراک رنگ بالا، حساس به نور
	مرد	ادراک کلی، چهره‌شناسی، هماهنگی کامل چشم و دست و توانا در اجرای ساختمان، آمار کور رنگی بالای ادراک رنگ ضعیف
تجسم و ادراک شنیداری	زن	ادراک شنوایی بالا، تون‌های زیر تحریف‌نشده، شنیدن صدا بدون توانای در جهت‌یابی دقیق
	مرد	ادراک شنوایی پایین، تون‌های بم واضح و روشن، جهت‌یابی دقیق با استفاده از ادراک شنوایی
ادراک فضای اجتماعی	زن	روابط اجتماعی حساس و ظریف و دلسوزانه، صحبت تفاهمی، متمرکز بر چند کار در آن واحد، کلمات آزمایشی و تأییدجویی
	مرد	روابط اجتماعی فردگرا و خودمدار، صحبت گزارشی، متمرکز بر یک کار در آن واحد، کلمات قاطع، آمرانه و قدرت نمایانه

تفاوت‌های جنسیتی اکتسابی هستند (Robertson, 1989: 275). جنسیت، انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است (Giddens, 1994: 780). مهم‌ترین تفاوت‌های جنسیتی را می‌توان در قالب تفاوت در حافظه، تجسم فضایی، چرخش ذهنی و قابلیت، مطرح کرد. دامنه دید زنان وسیع‌تر از مردان و

تحلیل تفاوت‌های زنان و مردان از دو وجه (تفاوت‌های جنسی و جنسیتی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حقیقت، جنس، تفاوت‌های بیولوژیکی میان زنان و مردان است و کاملاً وراثتی است، در حالی که جنسیت، نقش‌ها، رفتارها، نگرش‌های متفاوت منسوب به دو جنس در یک جامعه است (جزئی، ۱۳۸۰: ۱۳).

دارای طول کمتری است. بنابراین با فرض تعداد حضور برابر زن و مرد در یک فضای شهری، زنان ادراک جزء‌گرا و مردان ادراک کل‌گرا دارند. همین امر بیان‌کننده نوع دیدگاه به فضای شهری است. زنان معمولاً جزئیات فضا (رنگ، تزئینات، مصالح، گل‌کاری و...) و مردان بیشتر کلیات فضا (ارتباط، انسجام، پیوستگی، محصوریت و...) را درک می‌کنند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴۰). مردان همواره در تشخیص مسیر و جهت‌یابی، از زنان دارای توانایی‌های بیشتری هستند و می‌توانند موقعیت‌ها را نسبت به یکدیگر و ارتباط راه‌ها، بناها و... را بهتر از زنان ادراک کنند. همچنین به دلیل نگاه اجمالی و ادراک کل‌گرای مردان، در تشخیص فرم محدوده، مرزها، شروع و پایان و نقاط کانونی، توانایی بیشتری از زنان دارند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱: ۳۴۷).

در ادراک یک فضای کوچک مقیاس شهری، زنان نسبت به مردان دارای برتری هستند. از دیگر سو، مردان در تصویرسازی فضاها، به دلیل تجسم فضایی

قوی‌تر و چرخش ذهنی بهتر، تناسبات فضا را بهتر از زنان در حافظه دارند. زنان در ادراک کیفیات مطلوب فضایی از مردان توانایی بیشتری دارند. آن‌ها به دلیل نقش‌های اجتماعی، امکان حضور کمتر در مبادی ورودی شهر و به دلیل ادراک جزء‌گرا، تمرکز بیشتری در ثبت و یادآوری کیفیات فضایی دارند و سایر فضاهای فاقد کیفیت، کمتر در تصویر ذهنی زنان ثبت می‌شود. قدرت بیان و سخنوری زنان از مردان بیشتر بوده، به همین میزان قدرت ترسیم مردان بیشتر از زنان است؛ بنابراین مردان راحت‌تر از زنان می‌توانند به ترسیم تصویر ذهنی‌شان اقدام کنند (مجد، ۱۳۸۵: ۳۴۰). علی‌رغم وجود تفاوت‌های ادراکی که ناشی از تفاوت‌های فردی است، اما بر اساس روانشناسی شناختی و با تأکید بر مؤلفه جنسیت، در بررسی ادراک محیط، می‌توان به شباهت‌هایی میان گروه زنان و همینطور گروه مردان دست یافت که در قالب جدول ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۵- تفکیک تفاوت‌های ادراکی ناشی از جنس مشارکت‌کنندگان در قالب ۷ معیار، منبع: (نگارندگان با اقتباس از بمانیان و همکاران، ۱۳۸۸، پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱ و مجد، ۱۳۸۵)

مردان	زنان	مؤلفه‌های تفاوت ادراکی
توانایی بیشتر به دلیل ادراک کل‌نگر	توانایی کمتر در تشخیص مسیر و جهت‌یابی به دلیل ادراک جزء‌نگر	جهت‌یابی
ادراک بهتر موقعیت‌ها نسبت به یکدیگر و ارتباط راه‌ها، بناها و... به دلیل توجه به کلیات فضا	ادراک کمتر موقعیت‌ها نسبت به یکدیگر به دلیل توجه به جزئیات	تشخیص موقعیت
توانایی بیشتر در تشخیص فرم محدوده، مرزها، شروع، پایان و نقاط کانونی به دلیل ادراک کل‌گرا	توانایی کمتر در تجسم محدوده به دلیل توجه به جزئیات و ادراک جزء‌گرا	تجسم محدوده
برتری نسبی در ادراک فضاهای بزرگ مقیاس	برتری نسبی در ادراک فضاهای کوچک مقیاس شهری	مقیاس
تناسبات بهتر فضا در حافظه به دلیل نوع ادراک	تشخیص ضعیف‌تر تناسبات فضا	تناسبات
برتری نسبی در تشخیص کیفیت عملکردی به دلیل ادراک کل‌گرا	برتری نسبی در تشخیص کیفیات زیبایی‌شناختی و زیست‌محیطی به دلیل ادراک جزء‌گرا	عملکردی
		زیبایی‌شناختی
		زیست‌محیطی
توجه کمتر به جزئیات به دلیل ادراک کل‌گرا	توجه زیاد به جزئیات به دلیل ادراک جزء‌گرا	جزئیات

۱۰ تیر ۱۳۹۶ و ۲۰ مرداد-۱۰ شهریور ۱۳۹۶)، با لحاظ کردن حداقل سنّ پرسش‌شوندگان ۱۸ سال (به دلیل شروع تفاوت‌های جنسیتی از این سن (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱: ۳۱۳) و به نسبت مساوی از زنان و مردان (هر گروه ۱۵۰ پرسش‌نامه)، در راستای اهداف پژوهش توزیع شد. در مقطع اول با حجم نمونه ۱۵۰ نفر (۷۵ مرد و ۷۵ زن)، پرسش‌نامه دارای دو سؤال باز و گرافیکی است. در سؤال اول هدف، شناسایی مهم‌ترین نقاط آدرس‌دهی کاربران در محدوده ورودی و در سؤال دوم هدف، دستیابی به تصویر ذهنی کاربران از محدوده ورودی شهر سنندج است. برای دستیابی به تفاوت‌های جنسیتی موجود در نقشه‌های شناختی، ضمن تفکیک نقشه‌ها براساس جنس مشارکت‌کنندگان، از لحاظ کمی، تعداد دفعات تکرار فضاهای شهری در راستای یافتن میزان اهمیت آن‌ها ثبت می‌گردد و از بررسی کیفی نقشه‌ها، جهت تشخیص ۷ معیار «جهت‌یابی، تشخیص موقعیت، تجسم محدوده، مقیاس، تناسبات، جزئیات و کیفیات فضایی» استخراج و در مقطع دوم با حجم نمونه ۱۵۰ نفر (۷۵ مرد و ۷۵ زن) جهت دستیابی به حدّ ورودی شهر، پرسش‌نامه در قالب دو سؤال باز و گرافیکی توزیع می‌گردد. در سؤال اول با استفاده از نقاط آدرس‌دهی و تصویر ذهنی کاربران، محدوده ورودی شرقی سنندج در قالب چند بازه تعریف شده، کاربران باید دیدگاه خود را از حدّ ورودی طبق تصویر ۲ مشخص کنند.

براساس آنچه در مبانی نظری به دست آمد، مؤلفه‌های تفاوت جنسیتی نقشه‌های شناختی در قالب هفت مورد جهت‌یابی، تشخیص موقعیت، تجسم محدوده، مقیاس، تناسبات، کیفیات و جزئیات توسط نگارندگان تفکیک شد تا بتوان روند شناسایی تفاوت‌های بین زنان و مردان را براساس آن‌ها و با استفاده از مدل‌های مربوط مشخص کرد. تأکید این مقاله بیشتر بر استخراج تفاوت‌های ناشی از جنسیت و تأثیر آن بر نقشه‌های شناختی شهروندان است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش انجام تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. جهت ارزیابی معیارهای مستخرج از مطالعات نظری، از روش پیمایشی و با بهره‌گیری از ابزار پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهدات میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه استفاده‌کنندگان از ورودی شهر سنندج، محور همدان، در سال ۱۳۹۵-۹۶ است. با توجه به باز بودن جامعه آماری و نبود اطلاعات دقیق در زمینه حجم تردد مسافران و مراجعات روزانه به مبادی شهرها، حجم نمونه براساس فرمول کوکران، ۳۰۰ نفر محاسبه شد و پرسش‌نامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس و با لحاظ کردن امکان پاسخگویی کاربران در دو مقطع (با هدف شناسایی مشکلات پرسش‌نامه و نیز یافتن مهم‌ترین مکان‌های ادراکی مردم و اولویت‌بندی آن‌ها در مقطع زمانی دوم پرسش‌نامه) و در سه بازه زمانی (۲۰ اسفند ۱۳۹۵-۱۰ فروردین ۱۳۹۶، ۲۰ خرداد-

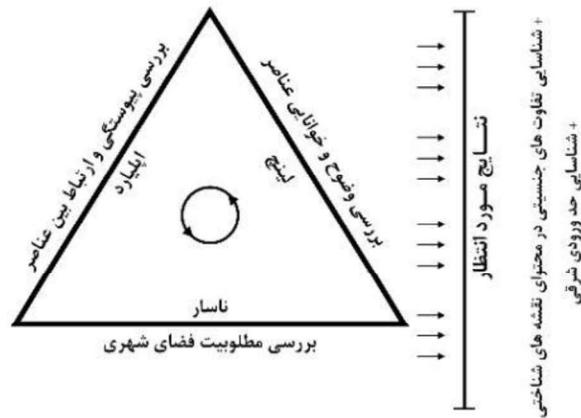


تصویر ۲- تصاویر از حد شرقی ورودی سنندج، منبع: (Shokri, & Ketabollahi, et al., 2015)

در سؤال دوم نیز هدف، شناسایی مهم‌ترین ویژگی‌ها و میزان مطلوبیت بازه‌های مشخص‌شده در محدوده ورودی از دیدگاه کاربران است. در جهت روایی و پایایی روش پژوهش و برای اینکه پژوهش از صحت قابل‌قبولی برخوردار باشد و بتواند در آینده براساس چارچوب مشخصی مورد استفاده سایر پژوهشگران قرار گیرد، در سنجش وضعیت ورودی از سه مدل لینچ، اپلیارد، ناسار و در دو مرحله استفاده خواهد شد. در مرحله اول براساس مدل لینچ، مطالعه موردی برمبنای عوامل پنج‌گانه راه، لبه، گره، نشانه و حوزه، از دیدگاه کاربران شناسایی شده، از کاربران خواسته می‌شود

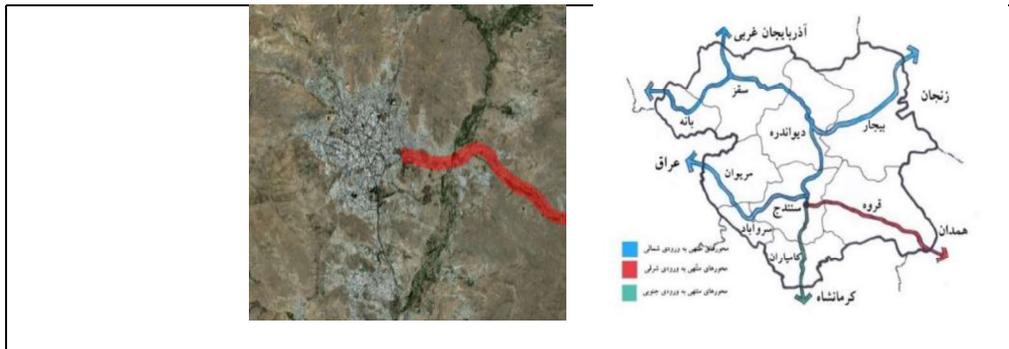
تصویر ذهنی خود را از وضع موجود ورودی شرقی شهر سنندج به صورت ساده بر کاغذ ترسیم کنند. سپس براساس جنسیت آن‌ها، طبق مدل اپلیارد تحلیل خواهند شد تا تفاوت‌های جنسیتی در محتوای نقشه‌های شناختی به دست آید. علاوه بر آن، پنج بازه مهم براساس موارد انتخاب‌شده از هم‌پوشانی پاسخ‌ها تعیین می‌گردد. در مرحله دوم توزیع پرسش‌نامه و مصاحبه براساس بازه‌های تعیین‌شده که در فوق به آن‌ها اشاره گردید، طبق مدل ناسار، مطلوبیت فضاهای شهری و شناسایی حد روانی، بصری و کالبدی ورودی شرقی شهر سنندج، انجام می‌پذیرد.

مدل های ارزیابی نمونه موردی، در رویکرد شناختی



تصویر ۳- چارچوب مفهومی پژوهش، منبع: (نگارندگان)

معرفی مطالعه موردی



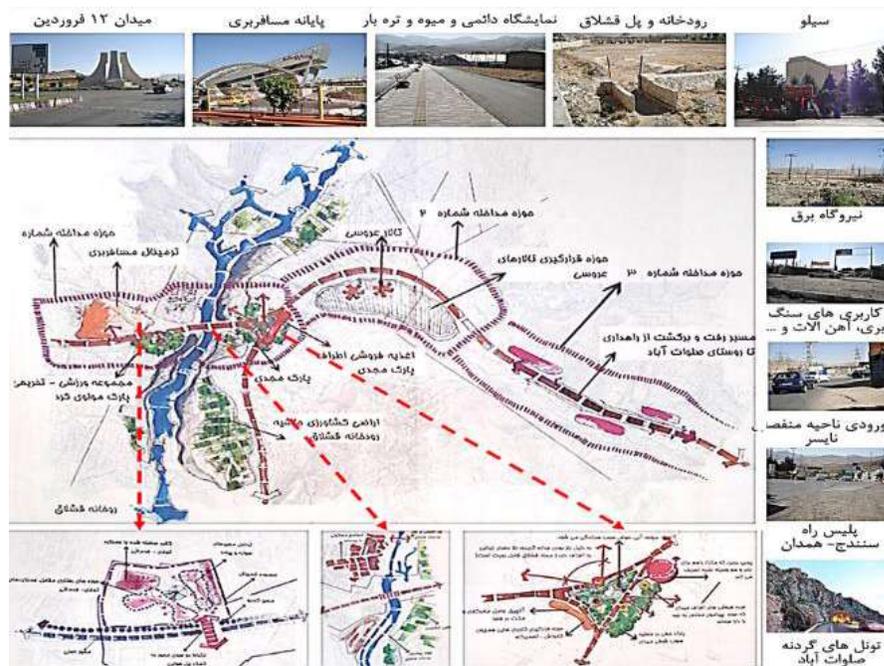
تصویر ۴- مسیرهای منتهی به شهر سنندج، تصویر چپ: محدوده کلی ورودی شرقی سنندج براساس نقشه هوایی

نگرفته است. با این حال، در معرفی اجمالی این ورودی، مطابق تصویر ۵ می‌توان به مطالعات انجام‌گرفته توسط مهندسان مشاور فجر توسعه در مبادی ورودی شهر سنندج اشاره کرد. بنابراین ضروری است در ابتدا حدّ ورودی مشخص شود، سپس براساس ادراک کاربران بازخوانی گردد و نهایتاً وجود یا عدم وجود تفاوت‌های جنسیتی در نتایج به‌دست‌آمده از مدل‌های سه‌گانه، مورد بررسی قرار گیرد.

شهر سنندج به‌عنوان مرکز استان کردستان دارای ۳ ورودی اصلی است. ورودی شرقی سنندج که راه اصلی رسیدن به پایتخت ایران است و با عبور از شهرستان‌های دهگلان و قروه، وارد استان همدان می‌شود، به ورودی همدان معروف است. ورودی شرقی سنندج از سمت همدان به‌عنوان مهم‌ترین ورودی این شهر از دیدگاه کاربران (شکری و کتاب‌اللهی، ۱۳۹۴: ۶) محدوده بسیار وسیعی را شامل شده و تاکنون پژوهشی در زمینه تشخیص محدوده دقیق آن انجام

یافته‌ها

شناسایی حد ورودی سنندج

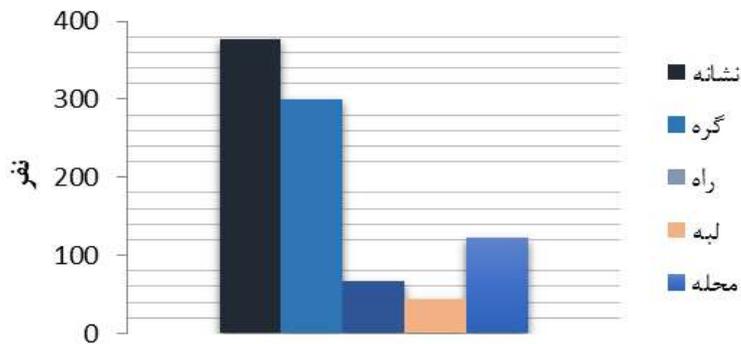


تصویر ۵- سنجش وضعیت ورودی شرقی سنندج براساس طرح ساماندهی ورودی شرقی سنندج، منبع: (سازمان راه و شهرسازی استان کردستان)

مؤلفه‌های لینچی، بیشترین معیار ذکر نشانه‌ها (۴۵/۴۲٪) است. نشانه‌هایی دیگر از نظر میزان اهمیت تپه توس‌نودر، کارخانه سایپا، نمایشگاه دائمی سنندج،

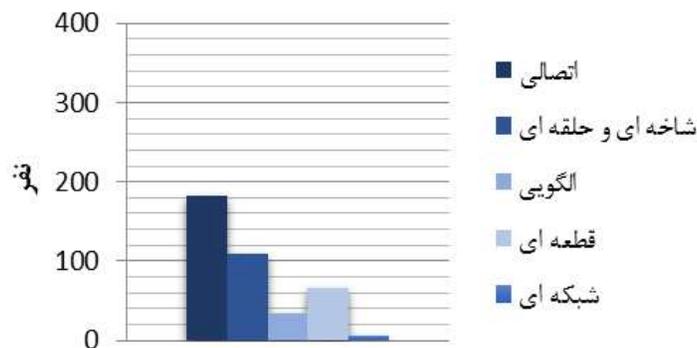
در میان پاسخ‌ها پل تاریخی قشلاق (۵۱٪ از نشانه)، میدان ۱۲ فروردین (۶۸٪ از گره)، پلیس‌راه (۱۷٪ از نشانه) و سیلو (۱۱٪ از نشانه) بیشترین تکرار را داشتند که پس از دسته‌بندی پاسخ‌ها در قالب

- محل عرضه میوه و تره‌بار و رستوران هشت چنار بوده، معیارهای لینچی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:
- گره‌ها (۳۱/۹۶٪): میدان ۱۲ فروردین، میدان محمدی، فلکه قرآن
- محدوده (۱۲/۴۰٪): گردنه صلوات‌آباد، شهرک صنعتی، ترمینال تهران
- راه (۶/۳۷٪): مسیر کمربندی، جاده نایسر، دوباندی صلوات‌آباد
- لبه (۳/۸۵٪): رودخانه قشلاق



نمودار ۱- مهم‌ترین عوامل لینچی محدوده ورودی شهر سنندج- همدان براساس نظر کاربران، منبع: (نگارندگان)

بعد از مدل لینچی، از پرسش‌شوندگان، ترسیم کروکی از محدوده خواسته شده است. در نقشه‌های شناختی، تمامی پاسخ‌ها براساس مدل اپلیارد دسته‌بندی شد و نتایج زیر به دست آمد.



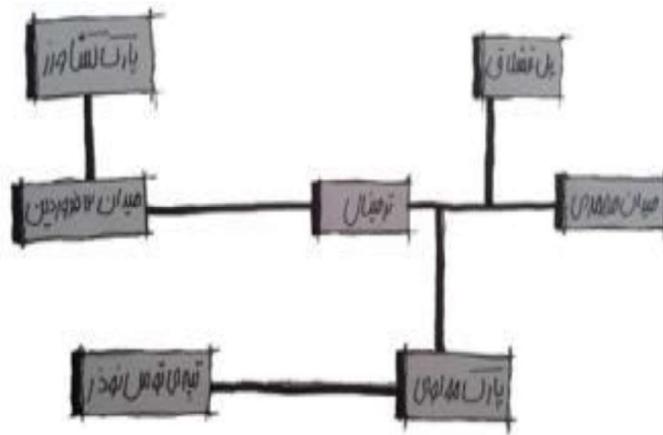
نمودار ۲- جمع‌بندی تعداد تصاویر ذهنی کاربران از ورودی، منبع: (نگارندگان)

نقشه‌ها در قالب مدل اپلیارد ۱۸۲ نفر (۴۵/۵٪)، کلیت شکل‌یافته در ذهن خود را از طریق نقشه‌ای مشابه با نقشه‌های شناختی کاربران به ترتیب در قالب نقشه‌های شاخه‌ای و حلقه‌ای، ۱۰۹ نفر (۲۷/۲۵٪)، قطعه‌ای، ۶۷

نقشه‌های اتصالی، به ترتیب زیر ترسیم کرده‌اند. در این

پل تاریخی قشلاق، پلیس‌راه، شهرک محمدی، رودخانه و پل تاریخی قشلاق، پلیس‌راه، شهرک صنعتی، ترمینال سنندج، ساختمان سیلو، پارک کشاورز، پارک توس نودز، میدان میوه و تره‌بار، نمایشگاه دائمی سنندج، میدان ۱۲ فروردین و... تقسیم می‌شود که هیچ‌کدام نمی‌توانند به‌تنهایی و بی‌ارتباط با دیگر محدوده‌ها حسن ورودی را القا کنند.

نفر (۱۶/۷۵٪)، الگوی، ۳۵ نفر (۸/۷۵٪) و شبکه‌ای، ۷ نفر (۱/۷۵٪) بوده که به‌صورت زیر قابل تفکیک است: ترسیم اکثریت نقشه‌ها به‌صورت اتصالی به این معناست که ورودی سنندج - همدان علی‌رغم محدوده بسیار وسیع و گسترده‌ای که دارد، به محدوده‌های کوچک‌تر و پیوسته‌ای درون خود نظیر گردنه صلوات‌آباد، ورودی ناپسر، میدان محمدی، رودخانه و



تصویر ۶- هم‌پوشانی تصاویر ذهنی کاربران از ورودی شرقی سنندج براساس گونه‌ی ارتباطی در مدل اپلیارد، منبع: (نگارندگان)

	شاخه‌ای و حلقه‌ای
	قطعه‌ای
	الگوی
	شبکه‌ای

تصویر ۷- دسته‌بندی تصاویر ذهنی کاربران از ورودی شرقی سنندج براساس مدل اپلیارد

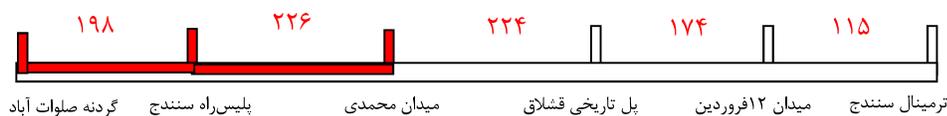
اهمیت این محدوده‌ها می‌تواند متفاوت باشد. محدوده‌های کوچک توسط عناصر شاخص و واجد ارزش از هم قابل تشخیص می‌شوند. همان طور که پیش‌تر بیان شد، از نظر اپلیکارد در نقشه‌ی اتصالی، علی‌رغم به‌ظاهر پیوستگی و اتصال میان آن‌ها، این ارتباط اتفاقی و ضمنی است؛ بنابراین لازمه‌ی داشتن محدوده‌ی ورودی شاخص، وجود ارتباطی برنامه‌ریزی‌شده بین آن‌هاست. طبق مدل اتصالی اپلیکارد و براساس بررسی مدل لینچی و نیز مطلوبیت

مکان‌های اشاره‌شده توسط پاسخ‌دهندگان، محدوده‌ی ورودی سنندج - همدان، به پنج محدوده‌ی کوچک‌تر به‌صورت زیر تقسیم گردید. دو سؤال زیر براساس مدل ناسار طرح شده و هدف از آن شناسایی مطلوبیت قسمت‌های مختلف ورودی است. بر این اساس از مردم خواسته شده است محدوده‌ی ورودی را براساس دیگرام زیر که به پنج بازه تقسیم شده، مشخص نمایند.

جدول ۵- تعداد حدهای تعیین‌شده توسط پرسش‌شوندگان برای دستیابی به محدوده ورودی، منبع: (نگارندگان)

بازه	مسیر انتخابی	تعداد افراد	درصد انتخاب
۲-۱	گردنه صلوات‌آباد- پلیس‌راه سنندج- همدان	۷۲ نفر	۱۸/۳۲
۳-۱	گردنه صلوات‌آباد- میدان محمدی	۳۳ نفر	۸/۳۹
۳-۲	پلیس‌راه سنندج- همدان- میدان محمدی	۴۰ نفر	۱۰/۱۷
۴-۱	گردنه صلوات‌آباد- پل تاریخی قشلاق	۲۳ نفر	۵/۸۵
۴-۲	پلیس‌راه سنندج- همدان- پل تاریخی قشلاق	۳۰ نفر	۷/۶۳
۴-۳	میدان محمدی- پل تاریخی قشلاق	۴ نفر	۱/۰۱
۵-۱	گردنه صلوات‌آباد- ترمینال سنندج	۳۳ نفر	۸/۳۹
۵-۲	پلیس‌راه سنندج- همدان- ترمینال سنندج	۲۳ نفر	۵/۸۵
۵-۳	میدان محمدی- ترمینال سنندج	۲۰ نفر	۵/۰۸
۵-۴	پل تاریخی قشلاق- ترمینال سنندج	۷ نفر	۱/۷۸
۶-۱	گردنه صلوات‌آباد- میدان ۱۲ فروردین	۳۷ نفر	۹/۴۱
۶-۲	پلیس‌راه سنندج- همدان- میدان ۱۲ فروردین	۴۰ نفر	۱۰/۱۷
۶-۳	میدان محمدی- میدان ۱۲ فروردین	۱۴ نفر	۳/۵۶
۶-۴	پل تاریخی قشلاق- میدان ۱۲ فروردین	۷ نفر	۱/۷۸
۶-۵	ترمینال سنندج- میدان ۱۲ فروردین	۱۰ نفر	۲/۵۴

با استفاده از هم‌پوشانی اعداد جدول ۴ در بازه‌های منفرد، تعداد مواردی که به ورودی اشاره شده است، درنهایت به‌صورت تصویر ۸ مشخص گردید:



تصویر ۸- هم‌پوشانی حدهای تعیین‌شده توسط پرسش‌شوندگان به‌منظور دستیابی به محدوده‌ی ورودی، منبع: (نگارندگان)

طبق نتایج به دست آمده، حدّ فاصل پلیس راه همدان تا میدان محمدی در نظر گرفته می‌شود. دلیل اصلی این انتخاب، بزرگ‌تر شدن شهر و وجود شهرک‌های مولوی، قشلاق و منازل مسکونی پراکنده در اطراف پل تاریخی قشلاق و پشت ترمینال است که سبب شده حدّ ورودی، دورتر از بخش مسکونی انتخاب شود. با این حال، حدّ پل تاریخی قشلاق تا میدان محمدی نیز جایگاه قابل توجهی به عنوان ورودی دارد؛ بنابراین با ادغام این دو، حدّ پل تاریخی قشلاق تا پلیس راه به عنوان حدّ نهایی ورودی فیزیکی سنج تعیین می‌گردد. حضور پل در این حد، آن را دارای هویت کرده است. همچنین حدّ گردنه صلوات‌آباد تا پلیس راه به دلیل اشراف به شهر و القای حسّ ورود به آن، از دیدگاه کاربران به عنوان حدّ روانی و بصری ورود به شهر تعیین می‌شود.

نقش تفاوت‌های جنسیتی در نقشه‌های شناختی

و ادراک مطلوبیت فضاها

نقشه شناختی زنان

در بیشتر موارد، زنان پرسش‌شونده، ذهنیت و تصویری آنی از ورودی نداشته، در بازگشت به دیاگرام‌های سؤالات قبلی، سعی در تجسم این محدوده را داشتند که این امر را می‌توان در قالب دلایل مختلفی از جمله ماهیت ورودی شهرهای ایران و هنجارهای جامعه بررسی کرد که موجبات حضورپذیری کمتر بانوان شده است.

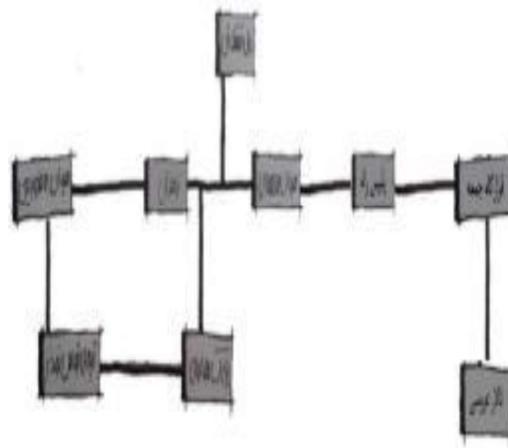
با توجه به دسته‌بندی اپلیارد، هم‌پوشانی نقشه‌های شناختی زنان پرسش‌شونده، قرابت زیادی با الگوی فضایی اتصالی دارد. طبق آنچه پیش‌تر گفته شد، به دلیل ویژگی شناختی زنان در ادراک جزءگرایانه و فقدان درک یکپارچه فضا، بیشتر نقشه‌ها بخش

کوچکی از محدوده را روایت کرده، شاکله اصلی نقشه شناختی را مجموعه‌ای از عناصر منفک و مجزا (شامل نمادها، نشانه‌ها و گره‌ها) شامل می‌شود. زنان به کاربری‌هایی همچون تالارهای عروسی که در لایه دوم محور ورودی قرار دارند و دید بصری به آن‌ها وجود ندارد، اشاره کرده و همچنین بیشترین توجه را به عناصری از قبیل پارک‌ها، تپه‌ها، میدان‌ها و پل تاریخی قشلاق که در این محور قرار دارند و دارای کیفیات فضایی بصری و زیست‌محیطی مطلوب هستند، معطوف داشته‌اند. از طرف دیگر، در تمامی نقشه‌های ذهنی بانوان، جهت‌یابی نقشه‌های ترسیمی دور از واقعیت است و نیز تأکید اصلی در نقشه‌ها و آغاز ترسیم بر یک عنصر خاص بوده و مقیاسی غیرواقع و خرد از حوزه بلافصل عناصر ترسیم شده است.

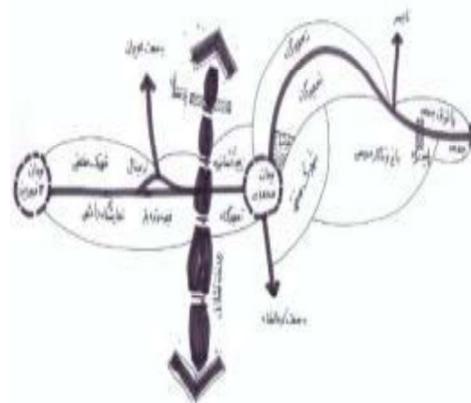
نقشه شناختی مردان و زنان

بیان عبارت «کدام قسمت از ورودی را ترسیم کنیم؟» توسط مردان پرسش‌شونده، نشانگر این مطلب است که برخلاف زنان پرسش‌شونده، مردان ذهنیت و تصویری بسیار وسیع و گسترده از محدوده ورودی دارند و در ترسیمات آنان نیز این امر مشهود است. آغاز ترسیمات براساس راه لینیچ بوده، با دیدگاهی کل‌نگر، ابتدا راه‌های بخش اعظمی از محدوده ترسیم شده، سپس نسبت به لگه‌گذاری و جانمایی حوزه‌ها اقدام می‌کنند. مردان به دلیل نگاه کل‌گرا، برخلاف بانوان، فعالیت‌های لبه محور را به صورت حوزه ترسیم کرده‌اند و عمدتاً از ترسیم تک عناصر فضا به جز مواردی خاص شامل پل تاریخی قشلاق، پلیس راه، بازار میوه و تره‌بار اجتناب می‌کنند. نقشه‌ها عمدتاً دارای جهت‌بندی نزدیک به واقعیت بوده، نشان از

مسیریابی و دقت بیشتر در جهت‌گذاری مردان دارد. با این حال، مردان در رعایت تناسبات فضا، نسبت به زنان از دقت کمتری برخوردارند، به نحوی که حوزه‌هایی با ابعاد و اندازه‌های متفاوت را به صورت هم‌اندازه ترسیم کرده‌اند که شاید بتوان تا حدودی آن را ناشی از دقت کمتر، ترسیم سطحی‌تر و تجسم فضایی ضعیف‌تر مردان در مقایسه با زنان دانست. هم‌پوشانی تصاویر ذهنی گروه مردان، تصویری نزدیک به مدل فضایی الگویی و پیاپی شاخه‌ای را نشان می‌دهد.



تصویر ۹- هم‌پوشانی تصاویر ذهنی زنان از ورودی شرقی سنندج براساس مدل اپلیارد، منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۰- هم‌پوشانی تصاویر ذهنی مردان از ورودی شرقی سنندج براساس مدل اپلیارد، منبع: (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

وسعت گسترده و تعریف‌نشده ورودی شهرها، یکی از موانع اصلی در انجام طراحی‌های هدفمند و منسجم است. در این پژوهش ضمن استفاده از مدل‌های سه‌گانه لینچ، اپلیارد و ناسار جهت شناسایی حدّ ورودی شهر سنندج و بازخوانی آن براساس مفاسل روانی، فیزیکی و بصری، مطابق ادراکات کاربران، در زمینه شناسایی تفاوت‌های جنسیتی ادراکی نیز اقدام شد. جنس افراد در هر فرهنگ و جامعه‌ای ثابت است؛ اما جنسیت افراد که نقش جنسی‌شان را تعریف می‌کند. بنابراین در این پژوهش جنسیت در قالب جنس افراد به‌عنوان مبنایی برای سنجش نقش‌ها، اندیشه‌ها و بینش‌های آنان در تشخیص مبادی ورودی شهر، مورد نظر قرار گرفت. در همین رابطه، با بهره‌گیری از مدل اپلیارد که پیوستگی و ارتباط بین عناصر را مشخص می‌کند، هم‌پوشانی تصاویر ذهنی گروه زنان در قالب مدل فضایی اتصالی و گروه مردان در قالب پیاپی شاخه‌ای تشخیص داده شد و در تلفیق مدل اپلیارد و لینچ نتیجتاً در تحلیل نقشه‌های شناختی، تفاوت‌های کلی تصاویر ذهنی زنان و مردان براساس هفت عامل جهت‌یابی، تشخیص موقعیت، تجسم محدوده، مقیاس، تناسبات، کیفیات و جزئیات تشریح گردید. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید صحت کلی تفاوت‌های جنسیتی ادراک، بر این نکته تأکید دارد که زنان در پیدا کردن جهت به‌گونه‌ای متفاوت با مردان عمل می‌کنند. حسّ جهت‌یابی زنان در قیاس با مردان ضعیف‌تر بوده، علایم و نشانه‌ها در مسیر حرکتی زنان نقش مهمی ایفا می‌کنند، در حالی که مردان فقط مسیر و فاصله را می‌سنجند و توانایی ادراک نشانه‌هایی با مقیاس بزرگ‌تر ندارند، ولی زنان توانایی ادراک نشانه‌ها حتی با مقیاس جزئی‌تر را نیز

دارند که این مسئله به توانایی استدلال قیاسی (کل به جزء) مردان و توانایی استدلال استقرایی (جزء به کل) زنان برمی‌گردد. همچنین مردان به دلیل ادراک کل‌گرا توجه کمتری به جزئیات دارند. قدرت بیان و سخنوری زنان از مردان بیشتر است (تمایل بیشتر به مصاحبه تا ترسیم نقشه‌شناختی) و نیز میزان قدرت ترسیم (یا شاید بتوان گفت عدم نگرانی مردان از ترسیم و راحت بودن) مردان بیشتر از زنان است.

با بررسی نقشه‌های شناختی گروه مردان و زنان مشاهده می‌شود هر دو گروه بیشتر جزئیاتی را به خاطر می‌آورند که متناسب با علایق یا مواردی است که با آن سروکار دارند. به‌عنوان مثال، مردان بیشتر مواردی مانند پلیس‌راه، جایگاه پمپ بنزین، تعمیرگاه‌ها و حتی سرعت‌گیرهای مسیر را به‌خوبی به خاطر دارند، در حالی که زنان تمرکز یادآوری بیشتری از عناصر زیبایی‌شناختی همچون تالارهای عروسی را خیلی خوب با جزئیات بیان می‌کنند. شاید یکی از دلایل آن، حضور بسیار کمتر زنان در مبادی ورودی‌هاست که حضورشان بیشتر جنبه عبوری یا مراجعات مستقیم به این‌گونه مکان‌هاست.

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد با استفاده هدفمند از نظرهای کاربران و واکاوی آن‌ها می‌توان به حدّ مشخصی از ورودی شهر دست یافت. در تحلیل نظر کاربران براساس مدل لینچ و ناسار که

به‌ترتیب نشانگر وضوح و خوانایی عناصر و مطلوبیت بازه‌های مشخص شده هستند، حدّ گردنه صلوات‌آباد تا پلیس‌راه به‌دلیل اشراف به شهر و القای حسّ ورود به آن و ویژگی‌هایش از دیدگاه کاربران به‌عنوان حدّ روانی و بصری ورود به شهر و حدّ پلیس‌راه تا پل تاریخی قشلاق نیز با بیشترین تعداد اشاره و توصیف آن، به‌عنوان حدّ کالبدی ورود به شهر تعیین شد.

متأسفانه فضاهای زندگی شهری امروز، خصوصاً مبادی ورودی شهرها، قرابت بیشتری با روحیات و نیازهای مردان دارد (آن‌هم نه به‌صورت مطلوب). تغییر نقش زنان در خانواده از شکل سنتی و همچنین افزایش حضور زنان در جامعه، نیازمند نگرش جدید در طراحی فضاهاست و باید در طراحی آن‌ها به نیازهای هر دو گروه توجه کرد و در جهت گسترش فضاها و تسهیلات موردنیاز آن‌ها اقدام نمود تا امکان استفاده بهینه و غیرآسیب‌زا در فضاهای معماری و شهری فراهم آید.

فهرست منابع

- اسدیپور، علی و همکاران (۱۳۹۴)، گونه‌شناسی مدل‌ها و بررسی تطبیقی روش‌های ثبت تصاویر ذهنی و نقشه‌های شناختی از محیط، مجله باغ نظر، دوره ۱۲، ۳۳: ۲۲-۱۳.
- ایروانی، محمود و محمدکریم خداپناهی (۱۳۸۸)، روان‌شناسی احساس و ادراک، تهران: سمت.
- بحرینی، سید حسین و ناهید علی طالب بابلی (۱۳۸۱)، تدوین اصول و ضوابط طراحی محیطی ورودی شهر، مجله محیط‌شناسی، دوره ۲۹، ۳۰: ۳۶-۱۳.

- بمانیان، محمدرضا، مجتبی رفیعیان و الهام ضابطیان (۱۳۸۸)، سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری، مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۷، ۳: ۶۷-۴۹.
- بی‌نیاز، فاطمه و تکتم حنایی (۱۳۹۷)، شباهت‌های ادراک شناختی بزرگسالان بر اساس جنسیت، مجله آرمانشهر، دوره ۱۱، ۲۵: ۲۹۲-۲۷۹.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از فضا تا مکان، ج ۳، تهران: آرمانشهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه و حمیده بزرگ (۱۳۹۱)، الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان، تهران: آرمانشهر.
- توسلی، محمود (۱۳۶۷)، اصول و روش‌های طراحی شهری در فضاهای مسکونی، تهران: انتشارات وزارت شهرسازی.
- جزئی، نسرین (۱۳۸۰)، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خانی، فضیله (۱۳۸۵)، جنسیت و توسعه، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شکری، محسن، کتاب‌اللهی، کسری (۱۳۹۴)، ورودی شهر؛ جستاری بر طراحی شهری با رویکرد شناختی، دومین کنفرانس بین‌المللی در پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، ایران.
- طرح ساماندهی ورودی شهر سنندج از سمت همدان (۱۳۸۹)، ج ۲، سنندج: سازمان راه و شهرسازی استان کردستان.
- قریب، فریدون (۱۳۸۲)، ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها، مجله هنرهای زیبا، دوره ۱۵، ۴۱: ۲-۱۵.
- قرایی، فریبا، عینعلی، عطیه (۱۳۹۸)، نقش ادراک محیطی در درک و طراحی منظر فرهنگی در فضاهای ورودی شهرها؛ مطالعه موردی: ورودی غربی گرگان، مجله آرمانشهر، دوره ۱۲، ۲۷: ۱۵۴-۱۴۵.
- قمری، اخلاص، طللیسچی، غلامرضا، دژدار، امید (۱۳۹۶)، رویکرد تحلیلی برای بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در درک فضای فیزیکی، مطالعه موردی: فرهنگسراهای تهران، مجله آرمانشهر، دوره ۱۰، ۲۱: ۸۶-۷۷.
- قوام‌پور، انیسه (۱۳۸۹)، منظر ورودی شهر، بررسی جنبه‌های ادراکی و عملکردی ورودی شهر تهران (از بزرگراه شمال)، مجله منظر، دوره ۲، ۹: ۶-۹.
- للحاج، رفیعه، موسوی، میرسعید (۱۳۹۷)، نگرش روان‌شناختی به نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری، مجله آرمانشهر، ۲۳، ۹۴-۸۵.
- لنگ، جان (۱۳۹۱)، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- مجد، محمد (۱۳۸۵)، انسان در دو جلوه، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مکیال.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، روان‌شناسی محیطی، دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، مجله هنرهای زیبا، ۱۰: ۵۲-۶۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- Aiden Arnold, Ford Burles, Taisya Krivoruchko, Irene Liu, Colin D. Rey, Richard M. Levy, Giuseppe Iaria (2012), Cognitive mapping in humans and its relationship to other orientation skills, *Experimental Brain Research*, Volume 224, Issue 3.
- Appleyard, D (1976), *Planning A Pluralistic City*, the MIT Press, Cambridge.
- Giddens, A. (1994). *Sociology*. (M. Saboori, Trans.). Tehran, Ney.
- Gifford, R. (1997). *Environmental Psychology, Principles and Practice*. University of Victoria
- Kitchin, R (1994). *Cognitive maps: What are they and why study them*, *Environmental Psychology*, vol14.